

The Transitivity Structure of the Letter of Imam Ali (AS) to Imam Hassan (AS) According to Halliday's Systematic Grammar

Maryam Peymani¹

Mahdi Moti²

1. PHD Candidate, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Education, University of Isfahan. Email: maryampeymani290@gmail.com

2. The Corresponding Author. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Education, University of Isfahan.

Email: m.motia@ltr.ui.ac.ir

DOI:10.22051/TQH.2024.44529.3958

Article rank:

scientific-promotional

Received:

26/07/2023

Accepted:

02/03/2024

Keywords:

Transitivity
Structure,
Participants,
Context of
Situation, Halliday's
Theory, Will, Imam
Ali (as), Imam
Hassan (as)

Abstract: The meta-function element is one of the characteristics of Halliday's systematic grammar. Among the three trans-textual, inter-textual, and intellectual roles, the intellectual or experimental role reflects the semantic layer of the text. The semantic layer shows the author's style in the selection of processes and participants, and the type and frequency of the processes also change with the change of the subject and the purpose of the author. This article studies the transitivity structure of the will letter of Imam Ali (as) to Imam Hassan (as) and examines the most frequent processes and participants that determine the author's style. Since this letter is long and the structure of the two halves of the letter seems different at first glance, Halliday's method was performed on the two halves of the text separately, and by drawing comparative diagrams, the hypothesis of the structural difference between the first half of the letter and the second half is proven. In the first half, the highest frequency is assigned to the material process and active and passive participants, but in the second half, the relational process and, as a result, the carrier and attribute participles have the highest frequency.





بررسی ساختار گذرایی وصیت‌نامه امام علی (علیه‌السلام) به امام حسن (علیه‌السلام)، براساس دستور نظام‌مند هلیدی
مریم پیمانی^۱ مهدی مطیع^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البیت، اصفهان، ایران.

maryampeymani290@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البیت، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

m.motia@ltr.ui.ac.ir

DOI: [10.22051/TQH.2024.44529.3958](https://doi.org/10.22051/TQH.2024.44529.3958)

صص ۵۰-۲۳

نوع مقاله:

علمی-پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۹/۱۲

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۶/۰۵

واژه‌های کلیدی:

ساختار گذرایی،

مشارکان،

بافت موقعیتی،

نظریه هلیدی،

وصیت‌نامه،

امام علی (علیه‌السلام)،

امام حسن (علیه‌السلام).

چکیده: عنصر فرانقش، یکی از شاخصه‌های دستور نظام‌مند هلیدی است. از میان سه فرانقش متنی و بینامتنی و اندیشگانی، فرانقش اندیشگانی یا تجربی بازتاباننده لایه معنایی متن است. لایه معنایی سبک نویسنده را در انتخاب فرایندها و مشارکان نشان می‌دهد و هم‌زمان با تغییر موضوع و هدف نویسنده، نوع و بسامد فرایندها نیز تغییر می‌کند. مقاله حاضر ساختار گذرایی وصیت‌نامه امام علی (علیه‌السلام) به امام حسن (علیه‌السلام) را مطالعه کرده و فرایندها و مشارکانی را بررسی می‌کند که بیشترین فراوانی را داشته و تعیین‌کننده سبک نویسنده‌اند. از آن‌جا که این نامه طولانی است و ساختار دو نیمه نامه در نگاه اول، متفاوت به نظر می‌رسد، روش هلیدی بر دو نیمه متن به‌صورت مجزا اجرا شد، که با رسم نمودارهای مقایسه‌ای، فرضیه تفاوت ساختاری نیمه نخست نامه با نیمه دوم آن اثبات می‌شود. در نیمه نخست، بیشترین فراوانی به فرایند مادی و مشارکان کنش‌گر و کنش‌پذیر اختصاص می‌یابد، اما در نیمه دوم، فرایند ربطی و در نتیجه مشارکان حامل و صفت، بیشترین بسامد را دارند.



۱. بیان مسأله

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از رویکردهای زبان‌شناختی معاصر است که برخلاف رویکرد صورت‌گرا، بر معنا و نقش و کارکرد واژه در جمله تمرکز دارد. نظریه دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی^۱ نیز یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی نقش‌گراست و ابزاری کارآمد برای تحلیل زبان به حساب می‌آید. یکی از دستاوردهای این روش تحلیلی، دستیابی به سبک هر متن است. از جمله شاخصه‌های سبک‌شناختی دستور نقش‌گرای هلیدی، عنصر فرانش متن است. براساس فرانش تجربی که یکی از لایه‌های معنایی در دستور هلیدی محسوب می‌شود، نویسنده متناسب با معنایی که مدنظر دارد، فرایندها را انتخاب می‌کند، بنابراین فرایندها بازنمای جهان درون و بیرون نویسنده است (هلیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۴ و ۹۴)، پس منطقی است اگر گفته شود که با تغییر موضوع و هدف نویسنده یا گوینده، نوع و بسامد فرایندها نیز تغییر می‌کند. به‌طور مثال در متن خبری، بسامد فرایند لفظی بیش از سایر فرایندهاست یا در متن حاوی دستورالعمل، فرایند غالب، فرایند مادی است. علت این تغییر آن است که در فرایند لفظی بیشتر فعل‌هایی نظیر «گفتن» به کار می‌رود و فرایند مادی مربوط است به فعالیت‌های کنشی که به انجام دادن کاری فیزیکی دلالت دارد (ایشانی، ۱۳۹۵، ص ۳۱-۳۲). این پژوهش برآن است تا با بررسی فرایندها و فراوانی آن و نیز نوع و تعداد مشارکان به‌کاررفته، متن وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) را تحلیل کند. چنان‌که پس از این گفته خواهد شد، به دلیل این‌که روایت ابن‌شعبه حرانی نسبت به روایت سید رضی در *نهج‌البلاغه* قدیمی‌تر و کامل‌تر است، روایت ابن‌شعبه پایه تحلیل این مقاله قرار گرفته و اگر نامی از *نهج‌البلاغه* برده شده، از چاپ بنیاد یا مؤسسه *نهج‌البلاغه* استفاده شده است. علت انتخاب این متن در وهله نخست، محتوای معرفت‌بخش و تربیتی آن است و در وهله بعدی، چنان‌که پس از این خواهد آمد، تفاوت ساختاری دو نیمه از نامه است. این نامه که حدود ۱۰۰۰ جمله طول دارد، از نظر کاربرد فرایندها، به دو شکل عمل کرده است. اگرچه تغییر جزئی در متون طولانی طبیعی است، تغییر کلی سبک

1. Michael Halliday.

نگارش نویسنده که ناشی از تغییر موضوع سخن است، می‌تواند سؤال برانگیز باشد. براین اساس هدف اصلی این پژوهش اثبات یا رد فرضیه تغییر سبک امام در نیمه دوم نامه است. با این هدف متن نامه مبتنی بر محتوای آن و با تمرکز بر وحدت موضوعی به دو بخش تقسیم و روش در هر بخش به‌طور جداگانه اعمال می‌شود. پرسشی که محتوای مقاله را پوشش می‌دهد، درباره نوع و تعداد فرایندهای به‌کاررفته و نیز مشارکان این فرایندها قابل طرح است.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش را می‌توان در دو سطح بررسی کرد: در سطح روش و نظریه هلیدی، و در سطح محتوا و درباره وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) به فرزندش. در هر دو سطح، به‌ویژه سطح روش، پژوهش‌های فراوانی انجام شده که تعدادی از آن‌ها معرفی می‌شود.

الف. سطح روش

نظریه هلیدی در میان پژوهش‌گران علوم انسانی و به‌طور خاص الهیات، نظریه‌ای پذیرفته‌شده و شناخته‌شده است و اقبال به سوی آن در حال افزایش. به‌طور مثال عرب زوزنی و پهلوان‌نژاد در مقاله‌ای ساختار گذرایی خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه^۱ را بررسی کرده‌اند. نویسندگان مقاله با تقسیم خطبه به سه بخش و اجرای روش در سه مرحله، به این نتیجه رسیده‌اند که در بخش نخست حدود ۳۰ درصد از فرایندها به‌صورت محذوف به‌کار رفته و بیشترین بسامد به فرایند مادی اختصاص دارد. مشارکان اصلی نیز «الله» و «جهاد» تشخیص داده شده‌اند. در بخش دوم نیز فرایند مادی بیش از دیگر فرایندها استفاده شده و مشارکان اصلی «امام علی (علیه السلام)» و «مردم کوفه» و «لشکریان معاویه» هستند. بخش سوم خطبه نیز با بیشترین فرایند ربطی، محل تلاقی دو مشارک اصلی «امام علی (علیه السلام)» و «مردم کوفه» است (عرب زوزنی و پهلوان‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱-۲۵). تحقیقی دیگر به بررسی

۱. عرب زوزنی، محمدعلی و پهلوان نژاد، محمد رضا (۱۳۹۴)، بررسی ساختار گذرایی در خطبه بیست‌وهفتم نهج البلاغه بر اساس فرانش تجری نظریه نقش گرا، پژوهشنامه نهج البلاغه، ۹(۳)، ص ۱-

فرانقش اندیشگانی در سوره طه^۱ پرداخته است. هدف نگارنده در این پژوهش، آزمودن نظریه هلیدی و بررسی قابلیت اعمال آن در تحلیل لایه‌های مختلف معنایی قرآن است. نتایج نشان می‌دهد که سوره طاهها در سطح باز نمودی به جز فرایند مادی از دیگر انواع فرایندها مانند ذهنی و کلامی بهره جسته و در این میان بیشترین بسامد از نوع فعل‌های مادی است که متناسب با حال و هوای سوره صورت گرفته است (سلیمی و نادری، ۱۳۹۶، ص ۱۲۹-۱۴۹).

ب. سطح محتوا

درباره نامه ۳۱ نهج البلاغه که همان وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) است، پژوهش‌های زیادی انجام شده که تعدادی از آن‌ها گزارش می‌شود. «بازشناسی مخاطب نامه ۳۱ نهج البلاغه با تحلیل منابع، متن و تاریخ»^۲ یکی از این پژوهش‌هاست. در این پژوهش تلاش شده با تحلیل متنی، تاریخی و سندی و نیز بررسی منابعی که سخنان آن امام را پیش و پس از سید رضی نقل کرده‌اند، پژوهش جدیدی راجع به مخاطب این نامه صورت گیرد. در نتیجه، این فرضیه مطرح و تقویت می‌شود که نه امام حسن (علیه السلام) بلکه محمد بن حنفیه، مخاطب نامه است. با قبول این مطلب برخی از برداشتها از نامه ۳۱ نیازمند بازنگری خواهد بود و یکی از دلایل مخالفان شیعه در اعتقاد به عصمت امام ابطال خواهد شد (مجتهدی و زهرایی، ۱۳۹۳، ص ۹۷-۱۲۱).

۳. وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام)

نخستین وصیت امام از حیث زمان نگارش، وصیتی است که بعد از پایان جنگ صفین خطاب به فرزند جوانش نوشت. آموزه محوری این وصیت‌نامه زهد و آخرت‌گرایی است که

۱. سلیمی، علی و نادری، سمیه (۱۳۹۶)، خوانش ساختار باز نمودی قرآن براساس رویکرد نقش‌گرا (مطالعه مورد پژوهانه: سوره طاهها)، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۱(۵)، ص ۱۲۹-۱۴۹.

۲. مجتهدی، مهدی و سادات زهرائی، حنا (۱۳۹۳)، پژوهش‌نامه نهج البلاغه، ش ۸، ص ۹۷-۱۲۱.

از همان آغازین جمله‌های آن هویداست. منابع تاریخی هیچ اشاره‌ای به این نامه نداشته‌اند، اما منابع روایی و گاهی ادبی همه یا بخش‌هایی از آن را با اختلاف‌هایی در لفظ نقل کرده‌اند (برای نمونه نک. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۰؛ سید رضی، ۱۳۷۲، ش، ص ۳۳۵؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۰۰؛ سیدبن طاووس، ۱۳۷۵، ش، ص ۲۲۰). این نامه طولانی در بخش‌های ابتدایی، متنی به هم پیوسته به نظر می‌رسد، اما پس از آن خواننده با جمله‌ها و عبارتهای حکمت‌آمیزی مواجه است که پیوستگی معنایی ندارد و هریک می‌تواند به صورت مستقل نقل و منتشر شود. نخستین منبعی که این نامه طولانی را نقل می‌کند، تحف‌العقول ابن شعبه حرانی در قرن چهارم هجری است. به نظر می‌رسد روایت ابن شعبه از این نامه، کامل‌ترین شکل آن باشد که حدود ۴۲۰۰ واژه طول دارد. درون‌مایه وصیت امام، پرهیز از دنیاطلبی و گرایش به آخرت و تلاش برای دستیابی به بهترین نتیجه در دنیای باقی است. در برخی از عبارتها هم توصیه‌هایی برای ارتباط مثبت و مؤثر با دیگران دیده می‌شود (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۶۸). یادآوری می‌شود متن نامه به دلیل حجم زیادش، در بخش پیوست ارائه خواهد شد.

۴. معیار تقسیم وصیت‌نامه به دو بخش

شهرت وصیت‌نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام)، که پیش‌تر معرفی شد، بیشتر به دلیل روایت سید رضی است. این نامه سی‌ویکمین نامه نهج‌البلاغه است و در تمام شروح و مستدرک‌های آن به همین شکل روایت شده است، اما همان‌گونه که بیان شد، با نخستین نگاه به نظر می‌رسد که نیمه دوم نامه با نیمه نخست آن تفاوت‌هایی دارد. در نیمه نخست مخاطب با جمله‌ها و عبارتهایی روبه‌رو می‌شود که میانشان ارتباط معنایی می‌بیند. به عبارت دیگر خواننده در این نیمه با بندهای معنادار مواجه است که بین هر بند با بندهای قبل و بعد از آن هم ارتباط دیده می‌شود. این ارتباط به دلیل وحدت موضوعی این نیمه از نامه است. در نیمه دوم هیچ‌یک از این دو ارتباط و پیوستگی معنایی به چشم نمی‌آید. جمله‌ها و عبارتها مستقل از یکدیگرند و موضوع هریک با دیگری متفاوت است، به طوری که جمله‌ها و عبارتها نمی‌توانند تشکیل بند معنادار دهند. به دلیل همین تفاوت‌ها

و نیز حجم زیاد نامه، تصمیم بر آن شد که نامه با معیار وحدت موضوعی به بندهای معنادار تقسیم شده و آن بندهایی که از حیث محتوا شبیه به یکدیگرند و انسجام متن را حفظ کرده‌اند از آن جمله‌ها و عبارتهای ظاهراً نامنسجم، تفکیک شود. بر همین اساس ساختار گذرای دو نیمه نامه به صورت مجزا بررسی شد که گزارش آن هم برای هر بخش جداگانه ارائه می‌شود.

۵. نظریه نظام‌مند هلیدی

نظریه نظام‌مند، زبان را از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی بررسی می‌کند. هلیدی نشانه‌شناسی را نظام‌های نشانه می‌داند و در این نظریه با نشانه به عنوان یک پدیده برخورد نمی‌کند، بلکه به نظام‌های معنایی توجه دارد. اصطلاح «اجتماعی» را نیز با فرهنگ هم‌معنا دانسته و در دستور زبان نظام‌مند بر روابط بین زبان و فرهنگ اجتماعی تمرکز کرده است. وی نظام‌های معنایی را در متن و بافت موقعیتی جست‌وجو می‌کند و متن را زبانی نقش‌مند می‌داند. منظور از نقش‌مند، زبانی است که در بافت کاری انجام می‌دهد و در مقابل واژه‌ها یا جمله‌های منفردی قرار می‌گیرد که نوشته می‌شوند یا حتی به گفتار درمی‌آیند. نکته مهم درباره متن ماهیت معنایی آن است. به بیانی دیگر متن از معنا تشکیل شده و واژه‌ها و جمله‌ها ابزار بیان و رمزگذاری معنا به حساب می‌آید. هلیدی در این نظریه تلاش می‌کند از دستور زبان سنتی که مبتنی بر نظام‌های صوری است به سوی دستور زبانی حرکت کند که بر نظام‌های معنایی بنا نهاده شده است (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص ۴۹-۶۲). وی دستور خود را برپایه دو محور نقش و نظام طراحی می‌کند. نقش چگونگی کاربرد زبان را در بافت تبیین می‌کند. نظام زبان نیز به معنای شبکه درهم‌تنیده‌ای از سیستم‌هاست که از رهگذر گزینش تودرتو افاده معنا می‌کند (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، مقدمه).

۵-۱. بافت

نخستین کسی که به اهمیت بافت در فهم معنای متن پی برد، مالینوفسکی^۱ است که زبان را وابسته به جامعه می‌داند و بر این باور است که ارتباط و فهم متقابل به شناخت و آگاهی دو طرف از فرهنگ و ویژگی‌های موقعیتی بستگی دارد. پس از آن فرث^۲ و هلیدی دیدگاه‌های او را پی گرفته و گسترش دادند. هلیدی معتقد است که زبان در عین این‌که نظامی تودرتو از انتخاب‌هاست، از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و ... یا به عبارتی همان بافت جدا نیست. بافت، پیرامون چیزی است و بنابراین به زمان و مکان دربرگیرنده متن اطلاق می‌شود. زمان و مکان همیشه زمان و مکان گفتن یا نوشتن متن نیست، بلکه فرهنگ یک جامعه یا ملت را دربرمی‌گیرد. منظور از بافت در زبان‌شناسی فضایی است که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شود و فضا به معنای شبکهٔ روابطی است که میان صورت (دستور و واژگان) و جهان بیرون وجود دارد. براین اساس دو نوع بافت می‌تواند معنای متن را تعیین کند: بافت زبانی و بافت موقعیتی (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱ و ۲؛ ایشانی، ۱۳۹۵، ص ۲۶). بافت زبانی، همهٔ واژه‌هایی است که در یک جمله یا عبارت به کار می‌رود. بنابراین بافت متنی تأثیری است که واژه‌های پس و پیش بر واژگان می‌گذارند. بافت موقعیتی، محیط غیرزبانی متن است که بر معنای آن اثر می‌گذارد. در بافت موقعیتی تأکید بر محیط و شرایطی است که در معنی متن تأثیرگذار است. از نظر هلیدی مؤلفه‌های سه‌گانه به‌طور مستقیم در لایهٔ معنایی زبان منعکس می‌شوند. هریک از این بازنمودهای زبانی فرانش نامیده می‌شود (ایشانی، ۱۳۹۵، ص ۲۷-۲۸).

۵-۲. فرانش

هلیدی برای بررسی معناهای مختلف نظام زبان، ساخت «بند» را پیشنهاد می‌دهد. معناهای متمایزی که در یک بند واحد وجود دارند، در سه فرانش دسته‌بندی شده‌اند. فرانش آن بخش از نظام زبان است که برای تشکیل نقش یا کارکرد ویژه‌ای تکامل یافته

1. Malinowski

2. Firth

است (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۳). سه فرانشی که تمام زبان‌ها براساس آن عمل می‌کنند، فرانش متن و بینافردی و تجربی نام گرفته‌اند. چینش سخن در فرانش متن، عاملان سخن در فرانش بینافردی و موضوع سخن در فرانش تجربی بازنمایی می‌شود. بافت موقعیتی براساس نشانه‌های زبانی بازسازی می‌شود، سپس معانی و مفاهیم سه فرانش گفته‌شده در سطح دوم زبان یعنی سطح واژگان - دستور تحقق می‌یابد (حکمت و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵).

۳-۵. فرانش تجربی

از آن‌جا که این مقاله عهده‌دار بررسی ساختار گذرای در متن وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) است و این ساختار در فرانش تجربی تعریف می‌شود، توصیف این فرانش به صورت مجزا از نظر می‌گذرد. براساس دیدگاه هلیدی، معنا با تجربه‌های فرد از جهان درون و بیرون ارتباط دارد و تجلی‌گاه آن بند است. تجربه‌های بیرونی می‌تواند فعالیت‌ها و حوادث و وقایعی باشد که در جهان عینی انسان‌ها اتفاق می‌افتد و تجربه‌های درونی تکرار تجربه‌های بیرونی و ثبت واکنش به آن است. به این ترتیب بند از سه عنصر تشکیل می‌شود:

۱. فرایند که در قالب فعل ظاهر می‌شود و همان رخدادی است که به وقوع می‌پیوندد؛

۲. مشارکان یا شرکت‌کنندگان در فرایند که در قالب اسم درمی‌آیند؛

۳. عناصر حاشیه‌ای که خود را در قالب قید نشان می‌دهند (نبی‌فر، ۱۳۹۲، ص ۱۵۲).

در بخش‌های بعدی نمونه‌هایی از فرایند و بند و عناصر تشکیل‌دهنده هر بند از متن وصیت‌نامه انتخاب شده و به منظور آشنایی اولیه مخاطب با این مفاهیم ارائه می‌شود. پس از آن روش هلیدی با تکیه بر ساختار گذرای به‌طور کامل بر متن وصیت‌نامه اجرا شده و جدول‌های آن از نظر می‌گذرد.

۴-۵. ساختار گذرای

براساس زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، گذرای مشخصه‌ای از جمله است که برای تشخیص انواع متفاوت فرایندها در جمله به کار می‌رود. از دیدگاه هلیدی، گذرای رمزگذاری تجربیات

فرد از فرایندهاست یا به عبارتی دیگر گذرایی دستورزبانی برای فرایندها و شرکت‌کنندگان در این فرایندها و دیگر عناصر موردنیاز است (ایشانی، ۱۳۹۵، ص ۳۰). فرایند گذرایی هر جمله را فعل جمله مشخص می‌کند. به میزان کنشی که فعل جمله می‌تواند داشته باشد، گذرایی آن متفاوت است. فرایند گذرایی فعل‌هایی که از امری فیزیکی حکایت می‌کنند، مادی است؛ مثل فعل «باعد» به معنای «دوری کردن» در جمله «انت باعد السُلطان» و فعل «یَنْقُلُ» به معنای «منتقل کردن» در جمله «هُوَ یَنْقُلُهُ مِنْ شَرْ الی شَرْ». فعل‌هایی که بازتاباننده فعالیت‌های ذهن انسانند، در دسته فرایند ذهنی جای می‌گیرند؛ مثل فعل «ظَنَّ» به معنای «گمان بردن» در جمله «مَنْ ظَنَّ بک خیراً» و فعل «أَبصر» به معنای «دریافتن و روشن بینی» در جمله «مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ». فرایند ربطی را فعلی می‌سازد که چیزی را به چیز دیگری اسناد دهد. مثلاً فعل «لا یكون» در جمله «أَنْ لا یكون بَینک و بَین اللّٰه ذونعمه» و فعل محذوف «یکون» در جمله «لِلّٰه المثلُ الأعلى» اسنادی است و فرایند جمله ربطی. فعلی که یکی از رفتارهای انسان را نشان دهد، رفتاری نامیده می‌شود؛ مثل فعل «إِقْتَصَدَ» به معنای «میان‌روی کردن» در جمله «انت إقْتَصِد فی أمرک» و فعل «إِیَّاک و الإِیْکَال» به معنای «پرهیز از تکیه کردن» در جمله «إِیَّاک و الإِیْکَال علی المُنی». فعل‌هایی که به نوعی حکایت‌گر سخن گفتن باشند، فرایند لفظی را آینگی می‌کنند؛ مثل فعل «تَسأل» به معنای «پرسیدن» در جمله «انت تَسألُ عن أخبارِهم» یا فعل «حکیت» به معنای «حکایت کردن» در جمله «انت حَکیتَ ذلک عن غیرک». فعل‌های وجودی، وجود داشتن یا نداشتن چیزی یا کسی را در مکانی نشان می‌دهند؛ مثل فعل محذوف «یکون» در جمله «فی الصدقِ السَّلَامة» یا فعل منفی‌ای که با حرف «لا ی نفی جنس» نمایش داده شده در جمله «لا خیر فی لذة تُعَقَّب ندماً». گذرایی یکی از مشخصه‌های دستور نقش‌گرای هلیدی است. در دستور زبان سنتی فعل‌ها از حیث گذرایی دو نوع‌اند: متعدی و لازم یا گذرا و ناگذر. هلیدی این تقسیم‌بندی را تغییر داده و افعال را از حیث گذرایی ۶ نوع دانسته و این ۶ نوع را در دو دسته بزرگتر جای می‌دهد.

۵-۵. فرایندهای اصلی

فرایندهای مادی و ذهنی و ربطی در این دسته قرار دارند. فرایند مادی رخدادهای و فعالیت‌های مادی را نشان می‌دهد؛ مثل خوردن و نشستن و دویدن. شرکت‌کننده اصلی در این نوع فرایند کنش‌گر است و اگر فعل متعدی باشد، وجود عنصر دیگری نیز ضرورت می‌یابد که کنش‌پذیر نامیده می‌شود. فرایند ذهنی آشکارکننده دنیای درون و دریافت‌های ذهنی فرد است و همواره دو مشارکت‌کننده دارد: حس‌گر و پدیده. فرایند ربطی برای نشان دادن نسبت دادن ویژگی‌ها و صفات به کار می‌رود. شرکت‌کنندگان این نوع فرایند هم حامل و صفت نام دارد (حکمت و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۷-۱۱۸). جدول زیر این سه فرایند و مشارکان هر بند را در قالب مثال‌هایی از متن وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) نشان می‌دهد.

جدول ۱: فرایندهای اصلی

فرایند	مشارکان		بند
فرایند مادی	کنش‌پذیر	کنش‌گر	الموتُ أتاكَ
آتی	ضمیر ک	الموت	
فرایند ذهنی	پدیده	حس‌گر	انْتَ تَفَقَّهَ فِي الدِّينِ
تفقه	فی‌الدین	انت	
فرایند ربطی	صفت	حامل	المولودُ یكونُ اسیرُ الموتِ
یکون	اسیر الموت	المولود	

۵-۶. فرایندهای فرعی

فرایندهای رفتاری و لفظی و وجودی فرایندهای فرعی نام گرفته‌اند. فرایندهای رفتاری به رفتارهای فیزیولوژیکی و روان‌شناختی انسان مربوط می‌شوند و در مرز میان فرایندهای مادی و ذهنی قرار دارند. شرکت‌کننده اصلی در این فرایند رفتارگر است. هرآنچه در حیطه گفتن قرار گیرد، فرایند لفظی گفته می‌شود. مشارکت‌کنندگان این فرایند گوینده و نقل قول است. در برخی از نمونه‌ها مخاطب هم به این دو مشارکت‌کننده اضافه می‌شود. عنصر نقل قول نیز می‌تواند از بند حذف شود. فرایند وجودی بیان‌کننده وجود کسی در محیطی است.

شرکت‌کننده اصلی در این فرایند موجود نام دارد (همان). فرایندهای فرعی و مشارکان هر بند با مثال‌هایی از متن وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) در جدول ۲ نشان داده می‌شود.

جدول ۲: فرایندهای فرعی

فرایند	مشارکان			بند
فرایند رفتاری	عنصر حاشیه‌ای	مخاطب	رفتارگر	انت أَحِي قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ
أحِي	الموعظة	قلبك	انت	
فرایند لفظی	عنصر حاشیه‌ای	مخاطب	گوینده	أنا أَحْمَدُهُ بما هُوَ أهْلُهُ
أحمد	بما هو أهله	ضميره	أنا	
فرایند وجودی		عنصر محیطی	موجود	انت تكون في طريق الآخِرَةِ
تكون		طريق الآخرة	انت	

۶. روش پژوهش

با عنایت به ساختار نامه که از نیمه دوم نامه تغییر می‌کند، فرضیه تفاوت در ساختار گذرایی و بازنمود این تفاوت در سطح واژگی دستوری مطرح شد. بر همین اساس ساختار گذرایی نامه در دو نیمه آن به صورت مجزا بررسی خواهد شد. نیمه نخست نامه متشکل از ۳۳ بند^۱ معنادار و ۴۶۷ جمله است. به عبارت دیگر به طور متوسط، هر ۱۴ جمله در این نیمه موضوع واحدی دارد. این آمار در نیمه دوم نامه به صورت ۱۷۱ بند معنادار و ۳۹۱ جمله تغییر شکل می‌دهد. به این ترتیب در نیمه دوم نامه به طور متوسط، هر ۲ جمله موضوع واحد دارد. پس از تقسیم متن نامه به دو بخش و تقسیم هر بخش به بندها و جمله‌ها، عملیات تعیین عناصر

۱. بند در این جا معادل پاراگراف است و با اصطلاح «بند» در نظریه هلیدی که برابر با جمله یا جمله‌واره است، تفاوت دارد.

هر جمله آغاز می‌شود. برای سهولت در تحلیل نتایج نهایی، برای هر فرایند جدولی جداگانه ترسیم شده و عناصر هر جمله براساس فرایند گذرای آن مشخص می‌شود.

۷. ساختار گذرای در نیمه نخست نامه

واحد تحلیل در نظریه هلیدی بند یا جمله‌واره نامیده می‌شود و نیمه نخست نامه دربردارنده ۴۶۷ بند است. در نیمه نخست نامه فرایند گذرای ۱۸۲ بند یا جمله، مادی است. ۶۵ جمله فرایند ذهنی و ۱۳۰ جمله فرایند ربطی را بازنمایی می‌کند. از میان فرایندهای فرعی، ۵۵ جمله فرایند رفتاری و ۲۵ جمله فرایند لفظی و ۱۰ جمله فرایند وجودی را بازتاب می‌دهد. بخشی از جدول گذرای نیمه نخست نامه به تفکیک هر فرایند از نظر می‌گذرد و شکل کامل آن به پیوست ارائه خواهد شد.

جدول ۳: فرایند مادی در نیمه نخست نامه

ردیف	بند	کنش‌گر	کنش‌پذیر	عنصر حاشیه‌ای	عنصر حاشیه‌ای
۱	أَنَا أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بَنِيَّ	انا	ک	تقوی الله	
۲	أَنَا أُوصِيكَ لَزُومِ أَمْرِهِ	انا	ک	لزوم امره	
۳	أَنَا أُوصِيكَ عِمَارَةَ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ	انا	ک	عمارة قلبک	بذکره
۴	أَنَا أُوصِيكَ الْإِعْتِصَامَ بِحَبْلِهِ	انا	ک	الاعتصام	بحبله
۵	أَنْتَ سِرٌّ فِي بِلَادِهِمْ وَ آثَارِهِمْ	انت	بلادهم و آثارهم		
۶	أَنْتَ أَنْظَرُ	انت			
۷	يَسْبِقُنِي إِلَيْكَ بَعْضُ غَلَبَاتِ الْهَوَى وَ فِتَنِ الدُّنْيَا	بعض غلبات الهوى و فتن الدنيا	ی	الیک	

داده‌های جدول نشان می‌دهد که چینش عناصر در جمله‌ها متفاوت است. در برخی از جمله‌ها فقط دو عنصر فرایند و کنش‌گر به ایفای نقش پرداخته‌اند و در برخی از جمله‌ها عناصر حاشیه‌ای نیز حضور دارد. پویاترین فرایند در میان فرایندها، فرایند مادی است. پس از فرایند مادی، فعالیت و کنش‌گری فرایند رفتاری بر دیگر فرایندها فزونی دارد. بنابراین دقیقاً نیمی از این متن با این دو فرایند پویا شده است و به همین میزان بر اثرگذاری متن می‌افزاید.

جدول ۴: فرایند ذهنی در نیمه نخست نامه

ردیف	بند	حس‌گر	پدیده	عنصر حاشیه‌ای	عنصر حاشیه‌ای
۱	انا تَبَيَّنْتُ إِذْ بَارِ الدُّنْيَا عَنِ	انا	ادبار الدنيا		
۲	انا تَبَيَّنْتُ جُمُوحِ الدَّهْرِ عَلَيَّ	انا	جموح الدهر		
۳	انا وَجَدْتُكَ بَعْضِي	انا	ک	بعضی	
۴	انا وَجَدْتُكَ كُلِّي	انا	ک	کلی	
۵	انت تَذْهَبَنَّ عَنْهَا صَفْحاً	انت	ها	صفحاً	
۶	انت اعْلَمُ	انت			
۷	هم يَجِدُونَ لِيْشِي مِنْ ذَلِكَ أَلْمَأ	هم	أَلْمَأ	شیء من ذلك	

نمونه‌های جدول نشان می‌دهد که افعالی مثل «وجد» وقتی به معنای «درک کردن» باشد، در زمره فرایندهای ذهنی است. ۶۵ جمله و به عبارتی ۱۳ درصد از این متن به باورها و اندیشه‌های نویسنده اختصاص پیدا کرده که یا در صدد توصیف آن است یا در صدد آموزش آن به مخاطب.

جدول ۵: فرایند ربطی در نیمه نخست نامه

ردیف	بند	حامل	صفت	عنصر حاشیه‌ای	عنصر حاشیه‌ای

۱	الْكَفَّ عَنْ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ يَكُونُ حَيْرٌ مِّنْ رُّكُوبِ الْأَهْوَالِ	الكفُّ عن حيرة الضلالة	خَيْرٌ مِّنْ رُّكُوبِ الْاَهْوَالِ	
۲	انْتَ تَكُنُّ مِّنْ أَهْلِهِ	انت	مِنْ أَهْلِهِ	
۳	انْتَ تَكُونُ كَالصَّعْبِ النَّفُورِ	انت	الصَّعْبِ النَّفُورِ	
۴	أَنْتَ تَكُونُ مُقْبِلٌ بَيْنَ ذِي النَّفِيَّةِ وَ النَّيَّةِ	انت	مقبِلٌ بين ذي النية و النية	
۵	أَحَبُّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي يَكُونُ تَقْوَى اللَّهِ	أحب ما انت... انت...	تقوى الله	
۶	يَكُنْ طَلِبَكَ بِنُورِ طِ الشُّبُهَاتِ وَ عُلُقِ الْخُصُومَاتِ	طلبك	تورط الشبهات و علق الخصومات	
۷	لَيْسَ طَالِبُ الدِّينِ مَنْ حَبَطَ	طالب الدين	من خبط	

فرایند مادی بخش عمده نیمه نخست نامه را تشکیل می‌دهد، اما فرایند ربطی نیز شمار قابل توجهی از بندها را نمایش می‌دهد. براساس آمار ۲۷ درصد از متن با هدف آموزش روابط بین پدیده‌ها نگاشته شده است. در مقام مثال فرایند ربطی مثل یک سخنرانی یک‌طرفه است که ارتباط فعال و مؤثری بین دو طرف گفت‌وگو رخ نمی‌دهد. این سخنرانی فقط کارکرد آموزشی دارد، نه ضمانت اجرایی.

جدول ۶: فرایند رفتاری در نیمه نخست نامه

ردیف	بند	رفتارگر	مخاطب	عنصر حاشیه‌ای	عنصر حاشیه‌ای
۱	انْتَ أُخِي قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ	انت	قلبک	بالموعظة	
۲	انْتَ مَوْتُهُ بِالرُّهْدِ	انت	ه	بالزهد	
۳	انْتَ قَوَّهِ بِالْيَقِينِ	انت	ه	باليقين	
۴	تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّا يَمُ	لومه لائم	ک	فی الله	
۵	هَمَّ احْتَمَلُوا وَعَنَاءَ الطَّرِيقِ وَ فِرَاقَ الصَّدِيقِ	هم	وعناء الطريق و فراق الصديق		

۶	انت اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ	انت	ه	ما تکره لنفسک
۷	انت اَكْرِمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ	انت	نفسک	عن کل دنیة

همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، برخی از بندها در فرایندهای رفتاری علاوه بر رفتارگر و عنصر حاشیه‌ای، عنصر دیگری را نیز بازنمایی می‌کند که در این پژوهش «مخاطب» نام گرفته است. مخاطب همان کسی است که رفتارگر آن رفتار خاص را در مقابلش انجام می‌دهد. پیش‌تر بیان شد که پویایی و در نتیجه تأثیر متن بستگی به فرایند مادی و رفتاری دارد. به این ترتیب بخشی از فعالیت این متن را حدود ۱۲ درصد فرایند رفتاری تأمین کرده است.

جدول ۷: فرایند لفظی در نیمه نخست نامه

ردیف	بند	گوینده	دریافت کننده	نقل قول	عنصر حاشیه‌ای
۱	انت نَادِي دِيَارِهِمْ	انت	هم		فی دیارهم
۲	انا قَرَعْتُكَ بِأَنْوَاعِ الْجَهَالَاتِ	انا	ک		بانواع الجهالات
۳	هُوَ قَالَ بِجَهَالَتِهِ أَعْرِفْ هَذَا	هو		أعرف هذا	بجهالته
۴	هُوَ قَالَ أَظُنُّ أَنْ يَكُونَ	هو		أظن أن يكون	
۵	انت تَقُلُّ بِمَا نَعْلَمُ	انت			بما تعلم
۶	انت أَلْجَحُ	انت			
۷	انت كُنْتَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ فِيهَا بِالتَّوْبَةِ	انت	نفسک		بالتوبة

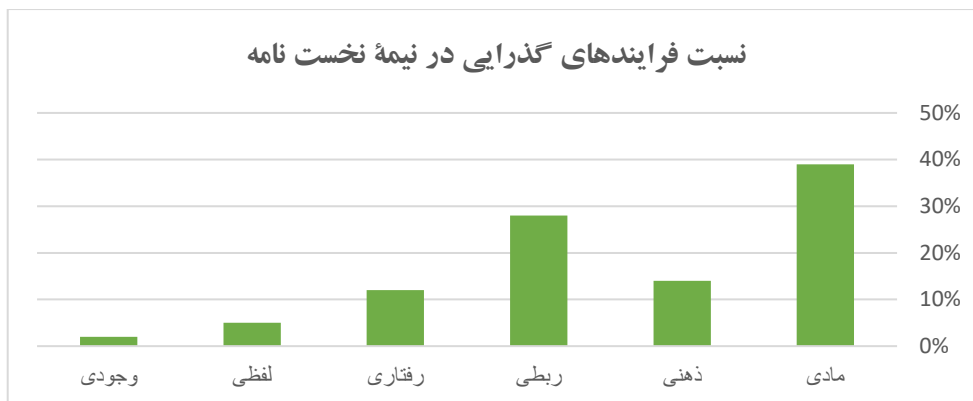
تنوع ساختار جمله‌ها در فرایند لفظی نیز به حدی است که گاهی بند فقط از دو عنصر گوینده و فرایند تشکیل می‌شود. در فرایند لفظی نیز ارتباط یک‌طرفه است؛ نویسنده یا گوینده سخن می‌گوید و مخاطب ملزم به شنیدن است. ۵ درصد از این متن با فرایند لفظی

به توصیف واقعیت‌ها یا گزارش حالات اختصاص یافته است. همین مشارکت اندک نشان می‌دهد که فرایندهای فعال نقش بیشتری در ساختن این متن داشته‌اند.

جدول ۸: فرایند وجودی در نیمه نخست نامه

ردیف	بند	موجود	عنصر محیطی	عنصر حاشیه‌ای	عنصر حاشیه‌ای
۱	لَا يَكُونُ فِيهِ لَعِبٌ	لعب	ه		
۲	لَا يَكُونُ خَيْرٌ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ	خیر	علم لاینفع		
۳	أَمْرٌ قَدْ طَلَبْتَهُ يَكُونُ فِيهِ هَلَاكٌ دِينِكَ	هلاک دینک	أمر قد طبتّه...		
۴	أَنْتَ تَكُونُ فِي مَنْزِلِ قُلْعَةٍ	انت	منزل قلعه		
۵	انت تَكُونُ فِي دَارِ بُلْغَةٍ	انت	دار بلغه		
۶	انت تَكُونُ فِي طَرِيقٍ إِلَى الْأَجْرَةِ	انت	طریق الی الآخره		
۷	كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكٌ	شریک	ربک		

فرایندهای وجودی در نیمه نخست نامه اغلب دو عنصر را نشان می‌دهند. نقش و تأثیر فرایند وجودی در متن به اندازه فرایند ربطی است. آمار نشان می‌دهد که فرایند وجودی در حد ۲ درصد در ساختن این متن نقش داشته است. میزان مشارکت فرایندهای مختلف در شکل‌گیری نیمه نخست نامه را می‌توان در نمودار ۱ مشاهده کرد.



نمودار ۱: فراوانی فرایندهای گذرایی در نیمه نخست نامه

داده‌های نمودار نشان می‌دهد که بار اصلی گذرایی در نیمه نخست نامه بر عهده فرایند مادی است، با وجود این از فراوانی فرایند ربطی نیز نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. فرایند ربطی و وجودی که در میان فرایندهای گذرایی کمترین میزان کنش را نشان می‌دهند، در مجموع ۳۰ درصد از متن نیمه نخست نامه را پوشش داده‌اند و به این ترتیب بخش عمده این بخش از نامه را افعالی مدیریت می‌کند که کنش بیشتری داشته و متن را فعال نشان می‌دهند. هرچند به دلیل فراوانی فرایند مادی و نیز فرایند ذهنی و رفتاری که به نوعی به فرایند مادی بازگشت دارند، تحرک و پویایی متن افزایش یافته، حضور پیرنگ فرایند ربطی می‌تواند نمایان‌گر تمایل نویسنده نامه به بیان دیدگاه‌های شخصی و توصیف جهان بیرون باشد. امام علی (علیه السلام) در نیمه نخست نامه در تلاش است ارتباطی فعال و مؤثر با مخاطب ایجاد کند. به همین منظور با کاربرد افعال مادی که کنش بیشتری دارند، اهمیت مطالب گفته شده را نشان می‌دهد و بر میزان تأثیرگذاری متن می‌افزاید.

۸. ساختار گذرایی در نیمه دوم نامه

نیمه دوم نامه از ۳۹۱ بند تشکیل شده است. فراوانی فرایند مادی در این نیمه ۶۳ جمله است. فرایندهای ذهنی و ربطی به ترتیب، در ۱۳ و ۱۶۸ بند نشان داده می‌شوند. از میان فرایندهای فرعی، ۱۱۹ بند فرایند رفتاری را بازنمایی می‌کند و ۱۶ و ۱۲ بند نیز حکایت‌گر فرایندهای لفظی و وجودی هستند.

در ادامه نمونه‌هایی از بندهای نیمه دوم نامه به تفکیک فرایندهای اصلی و فرعی از نظر می‌گذرد و شکل کامل آن در بخش پیوست ارائه خواهد شد.

جدول ۹: فرایند مادی در نیمه دوم نامه

ردیف	بند	کنش‌گر	کنش‌پذیر	عنصر حاشیه‌ای	عنصر حاشیه‌ای
۱	انْتَ حُذِّ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَنْتَ	انت	الدنیا	ما اناک	
۲	يَتَحَبَّلُهُ الشَّيْطَانُ بِحَدِّعِهِ وَ مَكْرِهِ	الشیطان	ه	بخدعه و مکره	
۳	هُوَ يُوَزِّطُهُ فِي هَلَكْتِهِ بَعْرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا حَقِيرٍ	هو	ه	فی هلکته	بعرض من الدنیا حقیر
۴	هَذَا لَا يَدْعُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ خَلِيلٍ صُلْحاً	هذا	صلحاً	بینک و بین خلیل	
۵	كُلُّ طَالِبٍ يُصِيبُ		کل طالب		
۶	هُوَ اِزْدَادٌ	هو			
۷	هُوَ حَتَّى التَّرَابِ بِفِيكَ	هو	التراب	بفیک	

همین چند نمونه نشان می‌دهد که بندهای با گذرایی مادی از حیث عناصر تشکیل‌دهنده، تنوع زیادی دارند، اما فقط ۱۶ درصد از متن نیمه دوم وصیت‌نامه را تشکیل می‌دهند.

جدول ۱۰: فرایند ذهنی در نیمه دوم نامه

ردیف	بند	حسن‌گر	پدیده	عنصر حاشیه‌ای	عنصر حاشیه‌ای
۱	انْتَ عَرَفْتَ	انت			
۲	هَمْ أَيْقَنُوا بِالْمَعَادِ	هم	المعاد		
۳	إِنِّي أَرَى جُرْعَةً أَهْلَى مِنْهَا عَاقِبَةٌ	ینی (انا)	جرعه اهلئ منها عاقبه		
۴	مَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْراً	من	ک	خیراً	

۵	انت اعْلَمَ أَيُّ بَنِيَّ	انت		
۶	انت اسْتَدْلِلْ عَلَيَّ مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا كَانَ	انت	ما لم يكن بما كان	
۷	انت اعْرِفِ الْحَقَّ لِمَنْ عَرَفَهُ لَكَ	انت	الحق	لمن عرفه لك

براساس داده‌های جدول، در فرایند ذهنی نیز تنوع عناصر دیده می‌شود. بازگفت باورها و اندیشه‌های نویسنده در حدود ۳ درصد از متن دیده می‌شود. گویا نویسنده کمتر در صدد معرفی خود و باورهایش بوده است.

جدول ۱۱: فرایند ربطی در نیمه دوم نامه

ردیف	بند	حامل	صفت	عنصر حاشیه‌ای	عنصر حاشیه‌ای
۱	مَا خَيْرٌ خَيْرٍ لَا يُنَالُ إِلَّا بِشَرِّ	خَيْرٌ	خَيْرٍ لَا يُنَالُ...		
۲	أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ دُو نِعْمَةً	ذونعمه	بینک و بین الله		
۳	الْيَسِيرِ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَكُونُ أَكْثَرُ وَ أَعْظَمُ مِنَ الْكَثِيرِ مِنْ خَلْقِهِ	اليسير من الله	اکثر و اعظم من الكثير من خلقه		
۴	يَكُونُ الْمَغْبُوتُونَ مِنْ عُنْبِنِ نَصِيبُهُ مِنَ اللَّهِ	المغبون	من غبن نصيبه من الله		
۵	حِفْظُ مَا فِي الْوِعَاءِ يَكُونُ بِشَدِّ الْوِكَاءِ	حفظ ما فی الوعاء	بشد الوكاء		
۶	انت تَكُنْ كَحَاطِبِ اللَّيْلِ وَ عُثَاءِ السَّيْلِ	انت	حاطب الليل و عثاء السيل		
۷	مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجَةِ	الخشوع	عند الحاجة		

باتوجه به داده‌های جدول، ۴۲ درصد از متن را فرایند ربطی تشکیل داده است. به این ترتیب نویسنده در تلاش است واقعیت جهان درون و بیرون از خود را به کمک این فرایند

توصیف کند. نکته دیگری که از جدول به دست می‌آید این است که در جمله‌های ربطی هیچ عنصر حاشیه‌ای فعالیت نمی‌کند و بیشتر بندها را دو عنصر حامل و صفت تشکیل می‌دهد. بر این اساس توصیف‌ها به کوتاه‌ترین و ساده‌ترین شکل ممکن بیان شده است.

جدول ۱۲: فرایند رفتاری در نیمه دوم نامه

ردیف	بند	رفتارگر	مخاطب	عنصر حاشیه‌ای	عنصر حاشیه‌ای
۱	انت اَفْتَصِدْ فِي أَمْرِكَ	انت	أمرک		
۲	أَبَتْ نَفْسَكَ إِلَّا حُبَّ الدُّنْيَا وَ قُرْبَ السُّلْطَانِ	نفسک	حب الدنيا و قرب السلطان		
۳	انت دُكَ قَلْبُكَ بِالْأَدَبِ	انت	قلبک	بالادب	
۴	مَنْ خَلِمَ	من			
۵	انت اخْمِلْ نَفْسَكَ مَعَ أَخِيكَ عِنْدَ صَوْمِهِ عَلَى الصَّلَاةِ	انت	نفسک مع اخیک	عند صومه على الصلاة	
۶	انت اسْتَعْيَبَ مَنْ رَجَوْتَ إِعْتَابَهُ	انت	من رجوت إعتابه		
۷	انت تَعَدُّ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا	انت	نفسها	بکرامتها	

در فرایند رفتاری نیمه دوم نامه نیز هم‌چون نیمه نخست، عنصری به نام «مخاطب» تعریف شده که نقش آن در مقابل عنصر رفتارگر است. فراوانی این فرایند در این نیمه از نامه در حدود ۳۰ درصد است. بنابراین نویسنده با وجود تنوع موضوع‌های به کارگرفته، با کاربرد فرایند رفتاری بر کنش‌گری و فعالیت متن افزوده است.

جدول ۱۳: فرایند لفظی در نیمه دوم نامه

ردیف	بند	گوینده	دریافت کننده	نقل قول	عنصر حاشیه‌ای
۱	انت تُحَمَّدُ مَعْبُوءٌ عَمَلِكَ	انت			مغبه عملک
۲	انت تَقُولُ مَتَى أَرَى مَا أَنْكِرُ نَزَعْتُ	انت		متی أرى ما أنکر نزع	
۳	انت سُمْتَ بَعْضَهُمْ بَيْعَ آخِرَتِهِ بِالْدُّنْيَا	انت	بعضهم		بیع آخرته بالدنیا
۴	انت تَسْأَلُ عَنْ أَخْبَارِهِمْ	انت	هم		عن أخبار
۵	انت قُلْ لِلنَّاسِ حُسْنًا	انت	الناس	حسناً	
۶	انت سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ	انت			عن الرفیق قبل الطریق
۷	انا أَسْأَلُ خَيْرَ الْقَضَاءِ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ	انا	ه		خیرالقضا...

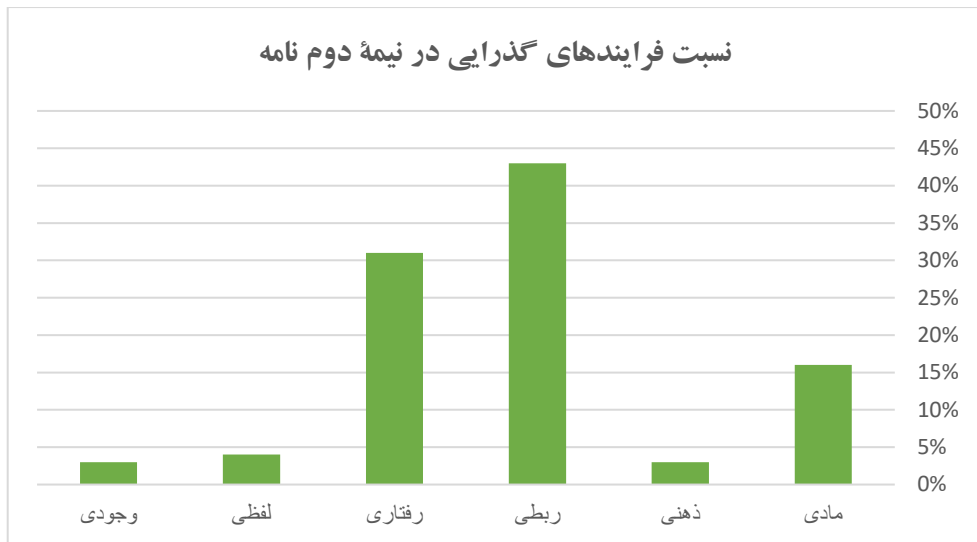
ساختار جمله‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده در فرایند لفظی تنوعی بیش از دیگر فرایندها دارد، با این حال نسبت مشارکت این فرایند در ساخت متن فقط ۴ درصد است. این آمار نشان می‌دهد که در جمله‌ها و عبارت‌های این بخش از نامه، کمتر نشانه‌ای از بازسازی ارتباط دوطرفه گوینده و مخاطب به چشم می‌آید.

جدول ۱۴: فرایند وجودی در نیمه دوم نامه

ردیف	بند	موجود	عنصر محیطی	عنصر حاشیه‌ای	عنصر حاشیه‌ای
۱	يكون لَكَ فِي يَسِيرِ مَا تُصِيبُ مِنَ الْمُلُوكِ افْتِخَاراً	افتخاراً	فی یسیر ما تصیب...		
۲	يكون ما فيه رُشْدَكَ	رشدک	فیه		
۳	لَا يَكُونُ ثِقَةً لِلْمُلُوكِ عِنْدَ الْغَضَبِ	ثقة	الملوک	عند الغضب	
۴	تكون في الصَّمْتِ السَّلَامَةُ مِنَ النَّدَامَةِ	السلامة من الندامة	فی الصمت		
۵	فِي الْقُنُوطِ يَكُونُ التَّفْرِيطُ	التفريط	فی القنوط		
۶	فِي الصِّدْقِ يَكُونُ السَّلَامَةُ	السلامة	فی الصدق		
۷	لَاخَيْرَ فِي لَذَّةِ تَعَقُبِ نَدْمًا	خیر	لذة تعقب ندماً		

جدول نشان می‌دهد که در بیشتر جمله‌های وجودی دو عنصر موجود و عنصر موقعیتی فعالیت می‌کند. در این بخش از وصیت‌نامه نیز فرایند وجودی نقشی کمتر از دیگر فرایندها دارد، اما به دلیل قرار گرفتن در گروه فرایند ربطی، میزان انفعال متن را به اندازه ۳ درصد افزایش داده است.

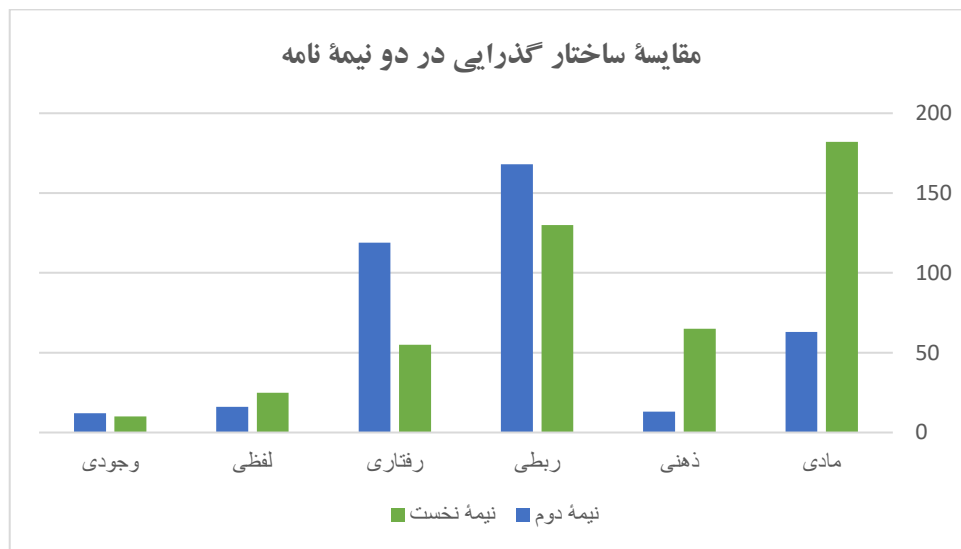
نمودار ۲ فراوانی فرایندهای گذرایی نیمه دوم نامه را در یک نگاه نشان می‌دهد.



نمودار ۲: فراوانی فرایندهای گذرایی در نیمه دوم نامه

آمار نشان می‌دهد که بار اصلی گذرایی متن در نیمه دوم نامه برعهده فرایند ربطی است. به عبارت دیگر نویسنده در این نیمه از نامه بیش از هر موضوعی، به توصیف واقعیت‌ها پرداخته و به همین میزان از فعالیت و پویایی متن کاسته شده است. با این حال فرایند رفتاری نیز اگرچه در رده فرایندهای فرعی است، مرز باریکی با فرایند مادی دارد و فراوانی زیاد آن می‌تواند تا حدودی به تحرک متن بیفزاید.

در نمودار ۳ می‌توان ساختار گذرایی دو نیمه نامه را باهم مقایسه کرد.

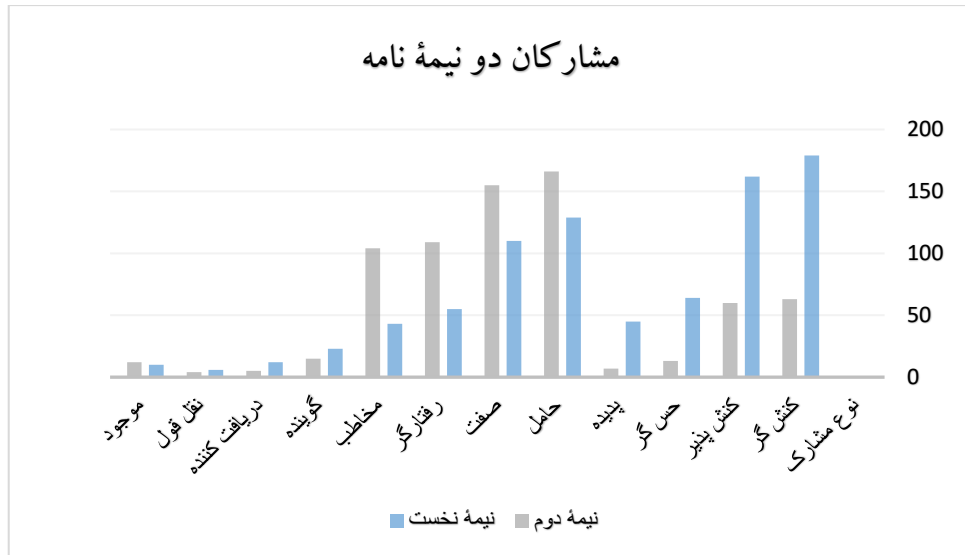


نمودار ۳: مقایسه ساختار گذرای در دو نیمه نامه

پیش‌تر گفته شد که فراوانی فرایند مادی در نیمه نخست نامه، پویایی متن را رقم زده است. گذشته از این فرایند ذهنی و رفتاری نیز که از حیث کنش‌گری تشابه زیادی با فرایند مادی دارند، تحرک و پویایی این نیمه را افزایش داده‌اند. براین اساس حدود ۳۰۰ جمله از ۴۶۷ جمله و به عبارتی ۶۴ درصد از متن نیمه نخست نامه فعال و پویا به حساب می‌آید. این در حالی است که در نیمه دوم نامه، فراوانی فرایند ربطی بیش از دیگر فرایندهاست. ایستایی این بخش از نامه تا حدودی با فرایند رفتاری که بسامد قابل توجهی دارد، جبران می‌شود، اما هم‌چنان به پای نیمه نخست نامه نمی‌رسد. مجموع فرایندهای مادی و ذهنی و رفتاری در این نیمه به عدد ۱۹۵ می‌رسد که تقریباً ۵۰ درصد متن را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر روی‌هم‌رفته ۵۰ درصد از متن نیمه دوم نامه فعال و پویاست و ۵۰ درصد دیگر فعالیت کمتری دارد. این آمار را محتوای نامه نیز تأیید می‌کند. امام در نیمه دوم نامه بیشتر به توصیف ویژگی‌های مثبت و منفی انسان می‌پردازد و تلاش می‌کند با جمله‌هایی کوتاه و اسنادی ماهیت انسان را برای مخاطبش روشن کند. ارتباط فعال بین نویسنده و خواننده در این نیمه کمتر دیده می‌شود.

۹. بررسی مشارکان در دو نیمه نامه

همان‌گونه که گفته شد، فرایندها و مشارکان و نیز عناصر حاشیه‌ای، فرانشس تجربی را تشکیل می‌دهند. در این بخش به تحلیل مشارکان دو نیمه نامه پرداخته می‌شود. فراوانی مشارکان دو نیمه به شکل مقایسه‌ای در نمودار ۴ ارائه می‌شود.



نمودار ۴: مقایسه نسبت مشارکان دو نیمه نامه

نخستین تفاوتی که به چشم می‌آید، اختلاف دو نیمه در فراوانی کنش‌گر و کنش‌پذیر، و حامل و صفت است. بیشترین فراوانی در نیمه نخست نامه به کنش‌گر و سپس کنش‌پذیر اختصاص دارد. بسامد کنش‌گران در این نیمه نشانه تحرک و پویایی متن است. از آن سو تعداد کنش‌پذیران این نیمه عددی نزدیک به تعداد کنش‌گران دارد. به بیان دیگر تقریباً در تمام بندها، فرایند به مشارک دیگری به نام «کنش‌پذیر» تحمیل شده و این دو مشارک به همراه یکدیگر بخش زیادی از متن را بر ساخته‌اند. بسامد مشارک حس‌گر و رفتارگر نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارد. بر این اساس مجموع مشارکان فعال در نیمه نخست نامه ۲۹۸ عدد است. به نظر می‌رسد این میزان تحرک و فعالیت با ماهیت وصیت‌نامه پدری به فرزندش مناسبت دارد، آن هم وصیتی با این حجم که بنای آن بر تقسیم میراث نیست. امام در این

بخش از نامه به تبیین ماهیت دنیا و آخرت می‌پردازد و در این مسیر هم به سرگذشت گذشتگان اشاره می‌کند و هم به شیوه قرآن، آینده انسان و جهان پس از مرگ را چنان زنده به تصویر می‌کشد که گویی آن را مقابل چشمان خود می‌بیند. به همین دلیل است که توصیف سرگذشت اقوام کهن و جهان آخرت زمینه متن را منفعل نکرده است. امام در قالب نامه، برای رهایی از دنیا و پیوستن به جهان باقی هشدارهایی به فرزند خود می‌دهد که اهمیت آن را با فعال کردن متن به نمایش می‌گذارد. در مقابل در نیمه دوم نامه بیشترین فراوانی به مشارک حامل و سپس صفت اختصاص دارد. تعامل این دو مشارک برای نمایش فرایند ربطی زمینه متن را به انفعال نزدیک کرده است. در نیمه دوم نامه بیشترین بندها به توصیف انسان از زاویه دیدهای متفاوت می‌پردازد. اگر نیمه نخست نامه فارغ از دنیای پست، به جهان والا می‌پردازد. نیمه دوم آن دربردارنده توصیه‌هایی برای افزایش کیفیت زندگی دنیا و نحوه تعامل انسان‌ها با یکدیگر است. به عبارت دیگر نیمه دوم نامه پیشنهاد نوعی سبک زندگی است. به نظر می‌رسد انتخاب مشارک حامل و صفت و از سوی دیگر گزینش مشارک فعال رفتارگر که تا حدودی به پویایی متن کمک کرده، هدف امام را در آموزش روش زندگی در دنیا تأمین می‌کند.

* نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، فرانش تجربی با دو عنصر فرایند و مشارک بر روی وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) به فرزندش، به آزمون گذاشته شد. توضیحات گفته‌شده درباره ساختار و محتوای نامه دلیلی است بر اینکه این نامه در حکم دو متن انگاشته شده و روش هلیدی با هدف مقایسه بین دو نیمه، در دو مرحله مجزا بر روی آن پیاده شود. یافته‌های تحقیق را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. در نیمه نخست نامه بیشترین فراوانی به فرایند مادی اختصاص پیدا کرده و به تبع آن مشارکان کنش‌گر و کنش‌پذیر بسامد بیشتری دارند. این فراوانی علاوه بر اینکه متن را به متنی پویا و فعال تبدیل کرده، نشان‌دهنده سبک امام در موضوع آخرت‌گرایی و دنیاگرایی است. امام در این نیمه از نامه عینیت‌گرایی پیشه کرده و تصویری ملموس از

دنیا و آخرت به دست می‌دهد تا باورمندی مخاطب را افزایش داده، او را بی‌پرده با واقعیت روبه‌رو کند.

۲. فراوانی فرایند ربطی در نیمه نخست نامه نشان می‌دهد که امام تا حدودی هم به توصیف دنیا و آخرت و موضع صحیح انسان در مقابل این دو پرداخته است.

۳. در نیمه دوم نامه بیشترین فراوانی از آن فرایند ربطی و سپس رفتاری است. بنابراین مشارک‌های حامل و صفت و رفتارگر نیز بسامد زیادی دارند. تعداد قابل توجه فرایند ربطی در این نیمه، از میزان پویایی و فعالیت متن می‌کاهد، هرچند فرایند رفتاری تا حدودی این انفعال را جبران کرده است.

۴. این تفاوت سبکی بین دو نیمه نامه منطقی به نظر نمی‌رسد. متنی که در زمان و مکانی واحد و با هدفی مشخص، وصیت‌نامه، خطاب به مخاطبی واحد نگاشته شده، نمی‌تواند از نیمه آن به ناگهان، چرخش سبکی و معنایی پیدا کند. هرچند متن‌های طولانی گنجایش محتواهای متنوعی دارند، اما چنین تغییری که متن را به دو نیمه تقسیم کند، به طوری که هر نیمه قابلیت داشته باشد متنی مجزا انگاشته شود، چندان توجیه‌پذیر نیست.

۵. براساس نتایج تحقیق می‌توان گفت که نیمه دوم نامه به دلیل تغییر ناگهانی در سبک نگارش و تغییر در موضوع و محتوا اعتبار نیمه نخست را ندارد.

منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۵ش). *کشف المحجبة لثمرة المهجعة*، قم: بوستان کتاب.
۲. ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۴۰۴ق). *العقد الفريد*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. ایشانی، طاهره (۱۳۹۵). *نظریه انسجام و پیوستگی و کاربست آن در تحلیل متون*، تهران: دانشگاه خوارزمی.
۴. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۵. سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۲ش). *نهج البلاغة*، تهران: بنیاد نهج البلاغة.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۷. نبی فر، نسا (۱۳۹۲)، مطالعه هفت سوره از جزء سی‌ام قرآن کریم بر پایه دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، *دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، ۴(۲)، ص ۱۴۵-۱۷۴.
۸. نیازی، شهریار و زینب قاسمی اصل (۱۳۹۷)، *تحلیل زبان‌شناختی متون عربی (با تکیه بر دستور نقش‌گرای هلیدی)*، تهران: دانشگاه تهران.
۹. هفت‌تانیان، فرخنده زاده؛ حکمت، شاهرخ؛ ایزدیار، محسن (۱۳۹۹). تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرای در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم و اسفندیار»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، ۱۷(۶۸)، ص ۱۱۱-۱۳۶.
۱۰. هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳)، *زبان، بافت و متن، ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی*، مترجم: محسن نوبخت، تهران: سیاه‌رود.

References

1. Ibn Tāwoos, Ali Ibn Musa (1996), *Kashf Al-Mahajjah li Thamarat al-Mahajja*, Qom: Boostan-e Ketab. [In Arabic]
2. Ibn 'Abd Rabbah, Ahmad Ibn Mohamad (1404 AH), *al-'Iqd al-Farīd*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīya. [In Arabic]
3. Ishani, Tahereh (2016), *Theory of Coherence and Continuity and Its Application in Text Analysis*, Tehran: Khwarazmi University. [In Persian]
4. Harrānī, Ibn Shu'bah (1404 AH), *Tuhaf al-'Uqoul*, Qom: Qom Seminary Society of Teachers. [In Persian]
5. Sayed Radī, Muhammad Ibn Hossein (1993), *Nahj al-Balāghah*, Tehran: Nahj al-Balāghah Institute. [In Arabic]
6. Kulainī, Mohammad Ibn Yaqub (1407 AH), *Al-Kāfī*, Tehran: Dar Al-Kutub al-Islāmīya. [In Arabic]
7. Nabifar, Nessa (2013), "Study of seven surahs from the 30th part of the Holy Qur'an based on the systematic functional grammar of Halliday", *Biannual Specialized Journal of Interdisciplinary Researches of the Holy Qur'an*, 2(4): 145-174. [In Persian]
8. Niazi, Shahryar and Zeinab Ghasemi Asl (2018), *Linguistic Analysis of Arabic Texts (based on Halliday's functional grammar)*, Tehran: University of Tehran. [In Persian]
9. Haft Tananian, Farkhunde-Zadeh; Hekmat, Shahrokh; Izadyar, Mohsen (2020), "Comparative analysis of transitive structure in the love poem "Veis and Ramin" with the epic poem "Rostam and Esfandiar", *Literary Research Quarterly*, 17(68): 111-136. [In Persian]
10. Halliday, Michael and Ruqayah Hassan (2014), *Language, Texture and Text, Dimensions of Language from the Perspective of Social Semiotics*, [translator: Mohsen Nobakht,] Tehran: Siahroud. [In Persian]